

سوگِ سیاووش



جشن‌های ایران زمین

ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۱۱

نفیسه دستورانی (تیروژ)



آئین سوگ سیاوش (سووشون):

سوگ و مرگ، همواره بخشی جدانشدنی از زندگی بشر بوده و هست. اما گاه در قصه‌های باستانی، پهلوان‌هایی را می‌بینیم که مرگ نابهنگام و مظلومانه‌شان، سبب‌ساز افسانه‌های فراوانی می‌شود. یکی از این افسانه‌های تراژیک و جان‌سوز در فرهنگ ایرانی، داستان سوگ سیاوش است که با چهارشنبه‌سوری و نوروز نیز ارتباط دارد و از برای سوگِ عظیمی که این روزها بر جان ما ایرانیان خَلیده و جان‌های بی‌گناه و بی‌شماری همچو سیاوش باستانی از دست رفته‌اند، در این مقاله به این آئین می‌پردازیم.

داستان سیاوش:

کمتر کسی‌ست که دل در گرو عشق به ایران و فرهنگ آن داشته باشد و سیاوش (شهباده‌ی دلاور و نیکخو و پسر کی‌کاووس) را نشناسد. همو که از سوی مادری، تبار تورانی داشت. در نوجوانی، نزد رستم، پهلوانی و رزم‌آموخت و تهمتن، او را چون پسر خویش دوست می‌داشت. چون به جوانی رسید، کی‌کاووس او را فراخواند تا همسری شایسته برایش برگزیند اما ملکه سودابه، همسر کی‌کاووس، عاشق سیاوش شد. سیاوش پاکدامن، دست رد بر عشق آلوده‌ی سودابه زد و ملکه خشمگین از این بی‌مهری، جامه‌های خود را درید و شکایتِ دروغ

نزد پادشاه بُرد که سیاوش نظر بد به او را داشته است! کی‌کاووس که به پاکی پسرش باور داشت اما نمی‌توانست در برابر دادخواهی سودابه نیز سکوت کند، حکم کرد هر دوی آنها از آتش بگذرند تا حقیقت آشکار شود. ایرانیان باستان عقیده داشتند آتش، بی‌گناهان را نمی‌سوزاند و بنابراین برای اثبات بی‌گناهی، از آتش می‌گذشتند. سیاوش نیز پیش‌قدم شد و با اسبش به هیمة‌های سوزان آتش زد و تندرست برآمد.

پس از نجات سیاوش، سودابه از ورود به آتش امتناع کرد و چون بی‌گناهی پهلوان جوان ایرانی اثبات شد، مردم ایران که عشقی بی‌کران به او داشتند، به جشن و شادی پرداختند. گرچه سودابه دست از دسیسه علیه سیاوش برنداشت و شاهزاده جوانمرد ترجیح داد از این فضای آلوده دور بماند. به همین جهت زمانی که افراسیاب به ایران حمله کرد، سیاوش ولیعهد پیش‌قدم شد تا به مقابله با او بتازد.

جنگ با توران به نفع ایران پیش رفت و افراسیاب پیشنهاد به پایان جنگ داد. بنابراین یکصد نفر از اعضای خاندان افراسیاب، به عنوان گروگان به سیاوش تحویل داده شدند و دو لشکر به مرزهای خویش بازگشتند.

اما کی‌کاووس با تصمیم صلح‌جویانه‌ی

در فرهنگ ایرانی عقیده بر آن است که ریختن خون بی‌گناه، سبب خشم خداوند و تباهی قاتلان می‌شود؛ پس زمانی که جلّادان، سر از تن شهزاده‌ی مظلوم جدا کردند، با همه‌ی تدابیر، خون او بر زمین ریخت و از جای خونش گلی روید؛ گل‌های بسیاری را به این شهادتِ خونین و مظلومانه منسوب کرده‌اند از جمله خون سیاوشان، شقایق، لاله واژگون یا اشک سیاوش و... شعر مصطلح "از خون جوانان وطن، لاله دمیده" نیز از همین قصه، بُن‌مایه و الهام گرفته است.

پسر همراه نشد و دستور داد گروگان‌ها را بکشند و بر مرزهای توران بتازند. بنابراین سیاوش که سرداری وفادار بر پیمان و مخالف خونریزی بود و از طرفی کشتار گروگان‌ها و ردّ توافق میان دو لشکر را دور از شرافت می‌دانست، به توران پناه بُرد.

شهزاده سیاوش در توران‌زمین، مورد لطف افراسیاب‌شاه و پیران قرار گرفت و با «فرنگیس» شاهدخت توران ازدواج کرد. اما خیلی زود اسیر حسادت برادر افراسیاب، گرسیوز شد، افراسیاب فریب خورد و دستور به قتل سیاوش داد.



اسطوره سیاوش:

بسیاری به غلط بر این باورند که فرهنگ "شهادت" یک نگاه وارداتی در زبان فارسی‌ست و در فرهنگ ما جایی نداشته است، درحالی‌که در فرهنگ ما، شهید به معنای فردی است که بی‌گناه به دست ستمگری کشته شده اما روییدن گل به جای او، گواه این است که این مرگ مظلومانه بی‌نتیجه نخواهد ماند و ثمربخش خواهد بود.

به همین جهت، سیاوش را در لایه‌های اساطیری داستان، نمونه‌ای از ایزدان شهیدشونده دانسته‌اند که بعدها شمایی پهلوان‌گونه بر خویش گرفته است. برخی بر این نظرند که در مناطق کشاورزی باستانی مانند فلات ایران، میانرودان یا مصر، چنین اسطوره‌هایی پدید آمده است؛ چنان‌که ایزد شهیدشونده همچو دانه‌ای در خاک کاشته شده، سپس می‌روید و گل می‌دهد. بنابراین اسطوره سیاوش با نوروز نیز پیوند تواند داشت؛ زیرا نوروز قصه‌ی مرگ و زندگی است و کاشتن و روئیدن.

اسطوره سیاوش و جشن سوری:

به باور برخی پژوهشگران، جشن سوری که امروزه با نام "چهارشنبه‌سوری" شناخته می‌شود، با قصه سیاوش در ارتباط است و در این شب، ما به یاد سیاوش از روی آتشان می‌پریم و پاکی او را به یاد می‌آوریم.

همچنین ایرانیان اعتقاد داشته‌اند که در این روز، ارواح درگذشتگان به زمین می‌آیند و تا نوروز در کنار عزیزان خودند. حتی برخی باور داشته‌اند که این ارواح پاک تا ۱۹ فروردین که جشن فروردینگان است در زمین می‌مانند. چنین باورهایی در فرهنگ جشن هالووین یا مردم مکزیک نیز دیده می‌شود. باور به رستاخیز مسیح نیز بُن‌مایه‌ای مشابه اسطوره سیاوش و ایزدان شهیدشونده دارد.

آئین سوگ سیاوش:

اما آئین‌های ویژه‌ی سووشون گرچه امروزه به رونق عهد کهن نیست اما هنوز هم در میان مردمان جنوب و مشرق ایران برگزار می‌شود؛ چنان‌که سوگ سیاوش را شاید بتوان تنها آئین اصیل سوگ در ایران نامید.

زیرا در فرهنگ ایرانی و براساس باور نیاکان ما، مرگ عامل رشد و سفر روح به دنیایی بزرگ‌تر است که اصل و منشأ روح است. بنابراین با اینکه ایرانیان زندگی را بسیار عزیز می‌دانستند، اما مرگ را نیز به عنوان بخش مهمی از زندگی محترم می‌شمردند و گریه و بی‌قراری در سوگ درگذشتگان را گناهی می‌پنداشتند که عامل عذاب و رنجش روح درگذشته خواهد گردید.

حتی به باور برخی پژوهشگران، ایرانیان تا پیش از شهادت سیاوش، در مراسم سوگواری، لباس‌های مشکی

نمی‌پوشیدند و بیشتر از لباس سبز (به معنای رشد و زایش دوباره) استفاده می‌کردند.

اما چون شهزاده سیاوش، لباس سیاه می‌پوشید و اسبش نیز کاملاً سیاه بود، نیاکان ما به یاد سیاوش در بزرگداشت او، جامه‌ی سیاه بر تن کردند و این رسم تا امروز ماند و در بیشتر نقاط جهان نیز این رنگ پوشش برای عزاداری مرسوم شد.

ایرانیان در روز بزرگداشت سیاوش، موسیقی آئینی و غمگین می‌نواختند و می‌سرودند و نمایشی مشابه تعزیه امروزی از داستان کشته شدن سیاوش می‌ساختند و دسته‌های عزاداری بپا می‌کردند که تأثیر آن به وضوح در نمادهای عزاداری محرم مشاهده می‌شود:

- شاخه‌ی سبز یا شمایی با نماد گیاه، نماد رستاخیز و زایش و اشاره به رویدن گل از خون سیاوش.
- درفش سرخ به نماد خون سیاوش و درفش سبز به نماد رویش.

- اسب و شمایل آن.
- مشعل یا شمایل آتش به نماد گذر سیاوش از آتش و اثبات پاکی او.

- پَر به نماد پاکی و بی‌گناهی سیاوش و...

شوربختانه امروزه کمتر کسی از ریشه‌های این آئین کهن خبر دارد اما داستان محزون مرگ مظلومانه‌ی سیاوش به همگان یادآوری می‌کند که همواره کسانی بوده‌اند که بی‌گناه کشته شوند. اما خون مظلوم، هرگز در زمین ناپدید نمی‌شود بلکه بر قتلگاه مظلوم، بسان گلی می‌روید تا پس از آن، هرکه می‌گذرد، بداند که در آنجا جان بی‌گناهی را گرفته‌اند.

چنان‌که افراسیاب ستمگر نیز سال‌ها بعد، تقاص قتل شهزاده سیاوش را پس داد و «کیخسرو شاه» پسر سیاوش، به یاری ایرانیان، این کین بزرگ و تاریخی را از شاه توران و برادرش گرسیوز و باقی عاملان و آمران آن ستاند.

پایان بندی:

برای آشنایی بیشتر با اسطوره‌ها و جشن‌های باستانی ایران، می‌توانید صفحه‌ی تیروز را در اینستاگرام دنبال کنید: @tirozh_ir

